

فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره «نابرابری جنسیتی»

عبدالحسین کلانتری * فاطمه فقیه‌ایمانی **

چکیده: مسأله برابری زن و مرد از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر، ذهن جامعه علمی را بسیار به خود مشغول کرده است؛ صاحب‌نظران متعددی در این حوزه به ایراد نظر پرداخته و در این راستا، متفکرین اسلامی در پی تبیین مسأله عدالت و برابری از منظر اسلام و نقد رویکردهای فمینیستی برآمده‌اند. همچنین، پژوهش‌های مختلفی نیز در این حوزه انجام شده است. در این مقاله، ضمن مروری کوتاه بر آراء مذکور با استفاده از مرور سیستماتیک، پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه برابری جنسیتی فرا تحلیل گردید. بر این اساس، از میان پژوهش‌های انجام شده، ۲۰ مورد در بازه زمانی دهه ۸۰ انتخاب و بررسی شد. نتایج این مرور نشان می‌دهد که در سطح پروبلماتیک و چرایی نابرابری حدود ۵۵ درصد سوالات، جنبه اجتماعی داشتند؛ ۲۴ درصد جنبه اقتصادی و تنها حدود ۲۱ درصد به عوامل فرهنگی پرداخته‌اند. در سطح عوامل مؤثر بر نابرابری، از میان عوامل اجتماعی «کلیشه‌های جنسیتی»، «نظام پدرسالاری» و «جامعه‌پذیری جنسیتی» با ۱۷/۷ درصد، از میان عوامل اقتصادی «اشتغال زنان» با ۱۶/۶ درصد و از میان عوامل زمینه‌ای «قومیت» و «تحصیلات» با ۷ درصد، بیش‌ترین عوامل ذکر شده بوده‌اند. رویکرد اتخاذ شده در تمامی موارد، رویکرد تساوی‌گرایانه به مقوله برابری و عدالت جنسیتی بوده است. در نتیجه به این نکته اشاره شده که پژوهش‌های انجام شده، به صورت فراگیری تلقی فمینیستی از برابری را مفروض گرفته‌اند. جا دارد در پژوهش‌های آینده، با رویکردهای بومی به مقوله عدالت جنسیتی، مؤلفه‌های اسلامی مبنای پژوهش قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: برابری جنسیتی، رویکرد فمینیستی، عدالت جنسیتی، فرا تحلیل.

۱. مقدمه و بیان مسأله

بدون تردید، طرح موضوع برابری یا تفاوت جنسیتی از سوی فمینیست‌ها در غرب، ناظر به شرایط تاریخی و اجتماعی آن و مبتنی بر ایدئولوژی‌های موجود در آن سرزمین می‌باشد. توجه به مسائل زنان در دنیای غرب در دوره‌های سه‌گانه جریان فمینیستی، بخشی از چرائی و چیستی برابری یا تفاوت جنسیتی را نشان می‌دهد. با ورود جریان‌ات مدرن به کشورهای به اصطلاح جهان سوم، بخشی از رویکردهای اندیشه‌ای غرب بدون خاستگاه اجتماعی‌شان وارد این کشورها شده‌اند. مطالبات زنان و جریان فمینیستی نیز بخشی از ارمغان دنیای مدرن برای کشورهایی چون ایران بوده و هست. با ورود چنین رویکردهایی، جامعه علمی و اندیشه‌ای نیز به چنین مباحثی وارد شده و در این بین دیدگاه‌های مختلفی شکل می‌گیرد. در جامعه ما، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی - که هم دغدغه رفع تبعیض علیه زنان وجود داشته و هم توجه به مبانی اسلامی برابری و عدالت - جامعه علمی و پژوهشی، آثار متعددی را با رویکردهای مختلف به انجام رسانیده است. در این بین، متفکرین مواضع گوناگونی اتخاذ کرده‌اند؛ برخی از رویکردها طرفدار مواضع فمینیستی برابری، بعضی درصدد پیوند بین رویکرد فمینیستی و اسلامی و برخی دیگر داعیه‌دار اندیشه ناب اسلامی در مسأله برابری هستند.

در سال‌های اخیر، در زمینه نابرابری جنسیتی تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ این تحقیقات در حوزه‌های مختلف و از جوانب مستقیم و غیرمستقیم به بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی تحقیقات در این حوزه از یک‌سو و رواج رویکردهای متعدد مذکور و غلبه تحلیل‌های فمینیستی بر مسأله برابری از سوی دیگر، سبب شده است که چشم‌انداز و تصویر منسجمی از داده‌ها و یافته‌های علمی در حوزه عوامل نابرابری جنسیتی وجود نداشته باشد. بدین منظور، انجام مروری نظام‌مند بر تحقیقات علمی انجام شده و ارزیابی روش‌شناسی و یافته‌های این تحقیقات می‌تواند کمک مفیدی برای ترسیم تصویری کل‌نگر در این رابطه باشد. افزون بر این، مرور مجدد این پژوهش‌ها با نظر به مؤلفه‌های اسلامی نسبت به برابری زن و مرد می‌تواند در بردارنده دریچه‌های جدید در حوزه پژوهش‌های آینده باشد.

۲. مروری بر دیدگاه‌های پیرامون برابری زن و مرد

بدون شک، تعریف مفاهیم باید در متن نظری آن‌ها صورت گیرد؛ چرا که از جاکنندگی مفاهیم از بستر نظری‌شان، نه تنها موجب تدقیق فضای مفهومی واژگان نمی‌شود، بلکه بر اغتشاشات مفهومی دامن زده و بر مجادلات بی‌حاصل می‌افزاید. چنین توصیه‌ای، در خصوص مفاهیم علوم اجتماعی که

که گاه منتج از شرایط زمانی و مکانی کاملاً متفاوتی هستند، ابرامی دوچندان می‌یابد. از جمله این مفاهیم، «برابری زن و مرد (برابری جنسیتی)» و «نابرابری زن و مرد (نابرابری جنسیتی)» می‌باشد که تعریف آن‌ها به شدت بر تفاوت‌های رویکردهای نظری متخذه متکی است. بر این اساس، برخی نابرابری جنسیتی را نابرابری زن و مرد در امکانات موجود دانسته‌اند [۱۴، ص ۶۷۳] و برخی دیگر، هرگونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش‌هایی را که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، به معنای نابرابری جنسیتی دانسته‌اند [۲، ص ۶]. در تعریف دیگری، نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوارشردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازند [۱۵، ص ۲۱۱].

در ادامه به منظور تدقیق بیش‌تر این بحث، مروری مختصر بر دیدگاه‌های موجود درباره برابری زن و مرد از منظر متفکرین اسلامی و رویکردهای فمینیستی می‌شود.

۱-۲. برابری زن و مرد از منظر متفکرین اسلامی

۱-۱-۲. اسلام‌گرایان

سید جمال الدین اسدآبادی با تأکید بر برابری زن و مرد در انسانیت و ارزش‌مندی، تفاوت‌های طبیعی آن دو را نیز تأکید می‌کند. وی معتقد است تفاوت‌های تکوینی هیچ‌یک از دو جنس را در موضع نقص یا کمال قرار نمی‌دهد، اما از آن‌جا که طبیعت، زن و مرد را برای میدان‌های متفاوتی مستعد ساخته است، تشابه نقش‌ها قابل تأیید نیست و حضور زنان در عرصه‌های مردانه به معطل ماندن مهم‌ترین ارکان اجتماعی، یعنی خانواده می‌انجامد [۱۰، ص ۴۶].

سید قطب معتقد است اسلام به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی، برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده است و اگر برتری برای یکی بر دیگری قرار داده، تنها مربوط به استعدادهای طبیعی است که بر حقیقت وضع انسانی دو جنس تأثیر نمی‌گذارد. به این ترتیب، هر جا که این دو به لحاظ استعداد، خصلت و مسئولیت برابر باشند، حقوق برابر دارند و هر جا که تفاوت داشته باشند، به تناسب، شأنی متفاوت می‌یابند [۷، ص ۴۷].

محمد عبده، از متفکرین نوسلفی معاصر، معتقد است زن و مرد در احساسات، شعور و عقل برابرند. از این رو، بسیاری از تفاوت‌های حقوقی را عصری و متعلق به زمان می‌داند که با توجه به اوضاع خاص زمانی عصر نزول، توجیه‌پذیر است. با این حال، برخی تفاوت‌های طبیعی را نیز خاستگاه

تفاوت‌های حقوقی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که مساوات ضرورتاً به معنی تشابه حقوق نیست [۲۵، ص ۴۹].

نسهید مطهری معتقد است دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را برپایه اصل عدل، در مدارى مخصوص به خود قرار داده است؛ از این رو، سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. بر این اساس، وی عقیده دارد که باوجود دیدگاه رایج جنبش‌های فمینیستی تساوی طلب، این تفاوت‌ها به معنی برتری جنس مرد نمی‌باشد؛ بلکه به منظور تحکیم پیوند خانوادگی بین آن‌هاست. به این ترتیب، قانون آفرینش با ایجاد تفاوت‌ها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کرده است [۲۲، ص ۱۶۷]. هم‌چنین تساوی مرد و زن در انسانیت به معنای تشابه آن‌ها در حقوق و وظایف نیست؛ عدم تشابه حقوق زن و مرد در طبیعت، سازگار با حقوق فطری و عدالت است. بر این مبنا، ایشان تفاوت‌ها را منشأ تفاوت در حقوق می‌دانند.

محمدحسین فضل‌الله مرد و زن را دارای یک سرشت انسانی می‌داند و تفاوت میان آن دو را، صرفاً به ویژگی‌های جسمی آن‌ها نسبت می‌دهد. این ویژگی‌ها مانند هر چیز واقعی دیگری در زندگی آن‌ها اثر دارد و به دنبال آن مقتضیات ویژه خود را نیز به همراه می‌آورد و موجب تفاوت در وظیفه اجتماعی و انسانی هر یک از مرد و زن می‌شود؛ این تفاوت خود نیز با استناد به یک منبع یا حقیقت واحد انسانی شکل می‌گیرد و در واقع، تفاوت در وظیفه است نه سرشت [۱۸].

آیت‌الله جوادی‌آملی تبیین خود از تفاوت‌ها را با ورود به مبحث روح آغاز می‌کند. ایشان معتقد است که حقیقت انسان به روح اوست و روح نیز موجودی مجرد است که جنسیت در آن راه ندارد. بنابراین، تمام تفاوت‌های زن و مرد به جسم بازمی‌گردد و جسم نیز فقط ابزاری است برای روح [۱۱، صص ۷۰-۷۸].

۲-۱-۲. نواندیشان جهان اسلام

قاسم امین قوای عقلی زن و مرد را برابر می‌داند، اما معتقد بود احساسات و عواطف در زن غلبه دارد. با این وجود، بر این نکته تأکید داشت که نمی‌توان به استناد این تفاوت‌ها، آزادی زن را محدود کرد و موقعیتش را تنزل داد [۷، ص ۱۸۵].

نصر حامد ابوزید مروج این نگاه بود که هرچند تفاوت‌های زیست‌شناسانه زن و مرد انکارناپذیر است اما آنچه نیازمند بازنگری است، صورت‌بندی موقعیت‌ها، نقش‌ها و حقوق است. باید نقش‌ها را بر اساس اوضاع فرهنگی و فکری حاکم بر زندگی بشر بازتنظیم کرد نه بر اساس تفاوت‌های زیستی [۷، ص ۲۴۰].

محمد مجتهد شبستری با طرح دیدگاه تاریخت نظام خانواده، بر تفاوت‌های زن و مرد در ابعاد جسمی و روحی صحنه می‌گذارد، اما بر این باور است که تفاوت‌ها در سیر تکامل تدریجی بشر و بدون وجود نقشه‌های پیشین رخ داده و به همین دلیل تغییر پذیرند. نتیجه این که نمی‌توان تفاوت‌ها را بر اساس هدف‌مندی خلقت، تبیین و بر آن، آثار حقوقی بار کرد [۲۰].

۳-۱-۲. نظریات فمینیستی

می‌توان گفت محور تمام نظریات فمینیستی به برابری و مسأله تفاوت بین زن و مرد اختصاص دارد. بر این اساس، پاسخی که به سؤال علت تفاوت بین زن و مرد داده شده، رویکردهای مختلف فمینیستی را به وجود آورده است که به اختصار بیان می‌شود:

فمینیسم لیبرال: فمینیسم موج اول تحت تأثیر آموزه‌های لیبرال، قائل به برابری کامل بین زن و مرد بود. تأکید اصلی این رویکرد بر مسأله «جوهره مشترک انسانی» صرف نظر از جنسیت بوده است. با این بیان که زن و مرد برابر آفریده شده‌اند و یکسانی نسل آن‌ها اقتضا می‌کند که هیچ تمایزی بین حوزه‌های زنانه و مردانه وجود نداشته باشد [۱۹، ص ۶۴]. هم‌چنین، این رویکرد معتقد است نه تنها تفاوت‌های جسمی در برابری مؤثر نیستند، بلکه بسیاری از تفاوت‌های موجود، اکتسابی، غیرذاتی و ناشی از تبعیض‌های موجود در جامعه است [۹، ص ۷۰]. فمینیسم لیبرال، راه حل چنین وضعیتی را برابری کامل بین دو جنس، مبارزه با تفکیک نقش‌ها و بسط و تسری حقوق انسانی به زنان می‌داند.

فمینیسم رادیکال: رادیکال‌های اولیه معتقد بودند ماهیت حقیقی دو جنس، مساوی و یکسان است و طبیعت بشر در اصل، آمیخته‌ای از صفات زنانه و مردانه است. اما نسل بعدی با پذیرش نوعی ذات‌گرایی، قائل شدند که تفاوت‌های بین دو جنس طبیعی و تغییرناپذیر است با این تفاوت که صفات زنانه اصیل و برتر است [۹، ص ۸۶].

فمینیسم سوسیال: مسأله اصلی این رویکرد نیز نابرابری است با این تفاوت که نه فقط به نابرابری زنان، بلکه به انواع دیگر نابرابری توجه دارد. بر این اساس، ریشه تمام نابرابری‌ها را به نظام سرمایه داری و مسأله مالکیت مربوط می‌داند.

فمینیسم پست مدرن: این رویکرد به شدت طرفدار برجسته کردن تفاوت بین دو جنس و تکثرگرایی است. در این رویکرد، زنانگی و مردانگی معانی ثابتی ندارند، بلکه خود تابعی از گفتمان‌هایی است که در نهادهای اجتماعی و شیوه‌های تفکر، همواره معانی موقت و در حال تغییر را به سود مناسبات قدرت و منافع اجتماعی خاص خلق می‌کنند [۱۷، ص ۱۴۳].

جدول شماره (۱): آراء مختلف در باب برابری زن و مرد

جمال‌الدین اسدآبادی	جوهر مشترک انسانی، تفاوت در حقوق و وظایف به دلیل تفاوت در طبیعت	اسلام‌گرایان
محمدعبد	برابری در شعور و استعداد و تفاوت در حقوق انسانی مبتنی بر طبیعت	
محمدحسین فضل‌الله	برابری در ذات انسانی و تفاوت در جسم	
سیدقطب	برابری در جوهر و حقوق انسانی بین زن و مرد و تفاوت حقوق در جایی که تفاوت استعداد وجود دارد	
شهید مطهری	برابری در جوهر انسانی و تشابه در حقوق جنسیتی نه تساوی	
جوادی آملی	برابری در جوهر و روح و تفاوت بین جنس در جسم و تفاوت در حقوق	
قاسم امین	برابری قوای عقلی، تفاوت در قوای احساسی و برابری در حقوق	نواندیشان دینی
نصر حامد ابوزید	تفاوت طبیعی انکارناپذیر است اما منشأ تفاوت در حقوق و اجتماعیات نمی‌شود.	
مجتهد شبستری	تفاوت زن و مرد ریشه در تاریخ دارد و ذاتی نیست.	
لیبرال	برابری، در ذات و تساوی، در حقوق می‌باشد	فمینیست‌ها
سوسیال	نابرابری در همه شؤون اجتماعی از جمله جنسیت وجود دارد و ریشه آن در نظام سرمایه داری است.	
رادیکال	برابری کامل بین زن و مرد، ریشه نابرابری در نظام پدرسالاری و سرمایه داری است.	
پست مدرن	تفاوت بین دو جنس و برتری زن	

۳. روش‌شناسی

در جریان اجرای این مطالعه، در ابتدا کلیدواژه‌های «نابرابری جنسیتی»، «تبعیض جنسیتی» و «عدالت جنسیتی» در مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی (SID)، بانک اطلاعات نشریات و مجلات ایرانی (Mag Iran) جستجو شد. جامعه آماری این مطالعه نظام‌مند، شامل تحقیقاتی است که از جوانب مختلف به موضوع نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند که مقالات چاپ شده در نشریات علمی مصوب و پایان‌نامه‌های دانشگاه تهران و علامه طباطبایی (ره) در بازه زمانی دهه ۱۳۸۰ را دربر می‌گیرد.^۱

^۱ پژوهش‌های مورد بررسی: [۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰].

داده‌های موجود در منابع بر اساس ۵ موضوع اصلی تلخیص شده‌اند که عبارتند از: ۱- مشخصات عمومی ۲- اهداف و سوالات تحقیق، ۳- متدولوژی تحقیقات، ۴- انواع متغیرهای مورد بررسی و ۵- رویکرد کلی به برابری. در ادامه، یافته‌های طبقه‌بندی شده این مطالعه نظام‌مند ارائه می‌شود:

۴. یافته‌های بررسی

۴-۱. جنسیت پژوهشگران

در بررسی جنسیت مؤلفان پژوهش‌های مورد مطالعه، مشخص شد که نسبت مؤلفان مرد (۶ نفر) نسبت به زن (۱۴ نفر) کم‌تر است، به طوری که ۷۰ درصد محققین را زنان و ۳۰ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. لازم به ذکر است که برخی از تحقیقات (به ویژه در قالب مقالات)، بیش از یک مؤلف داشتند که مؤلف اول، ملاک این مقایسه قرار گرفته است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که به حسب موضوع، پژوهش‌های انجام شده بیش‌تر مورد توجه پژوهشگران زن قرار گرفته و لذا، آرایش جنسیتی دارد. از سویی دیگر، این مسأله به تشابه رویکردها در مطالعات فوق منجر شده است و مسأله برابری و نابرابری بین دو جنس از زاویه دید محققین زن صورت گرفته است.

۴-۲. نوع مأخذ

قالب و نوع ماده پژوهش‌های مورد مطالعه را می‌توان در دو دسته عمومی طبقه‌بندی کرد:

۱. پایان‌نامه‌های دانشگاهی، ۲. مقالات علمی - پژوهشی. بر این اساس، حدود ۸۰ درصد پژوهش‌های مرور شده را مقالات علمی و حدود ۲۰ درصد باقیمانده را پایان‌نامه‌ها تشکیل داده‌اند. لازم به ذکر است که در جریان جستجو و غربالگری پژوهش‌ها، مقالاتی بودند که بر اساس نتایج برخی از پایان‌نامه‌ها تدوین شده بودند که در خصوص این موارد، تنها قالب مقاله لحاظ گردید.

جدول شماره (۲): نوع مأخذ پژوهش‌های مورد مطالعه

نوع مأخذ	فراوانی	درصد
پایان نامه	۴	۲۰
مقاله	۱۶	۸۰
مجموع	۲۰	۱۰۰

۳-۴. پروبلماتیک پژوهش‌ها

بررسی و طبقه‌بندی سؤالات و یا فرضیات پژوهش‌ها، حاکی از آن است که در سطح پروبلماتیک «عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی»، می‌توان چند پاسخ را برشمرد: ۱. پرسش‌های جامعه‌شناختی ۲. پرسش‌های اقتصادی ۳. پرسش‌های روان‌شناختی. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که حدود ۵۵ درصد سؤالات، جنبه اجتماعی- جمعیتی داشتند؛ پس از آن، حدود ۲۴ درصد پرسش‌ها جنبه روان‌شناختی داشتند؛ و در نهایت، تنها حدود ۲۱ درصد سؤالات بودند که به عوامل اقتصادی می‌پرداختند. این نتیجه، حاکی از آن است که حوزه پرابلماتیک از نظر محققان نابرابری جنسیتی، اجتماعی- جمعیتی می‌باشد.

جدول شماره (۳): رویکرد پروبلماتیک و مقوله‌بندی سؤالات پژوهش‌های مرور شده

مقوله‌بندی سؤالات	فراوانی	درصد
اجتماعی - جمعیتی	۲۳	۵۴/۷
روان‌شناختی	۱۰	۲۳/۹
اقتصادی	۹	۲۱/۴
مجموع	۴۲	۱۰۰

۴-۴. روش شناسی پژوهش‌های مورد مطالعه

۴-۴-۱. نوع روش تحقیق

بررسی و دسته‌بندی متدولوژی به کار رفته در تحقیقات مرور شده، حاکی از آن است که ۵۰ درصد پژوهش‌ها با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. پس از آن، ۲۰ درصد تحقیقات با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی، ۱۴ درصد تحقیقات به روش تحلیل ثانویه و تنها ۱ مورد به شیوه کیفی و مصاحبه عمیق بوده است. همچنین، شایان ذکر است که از میان تحقیقات مرور شده، دو مورد مقاله نظری بوده و از این رو روش‌شناسی خاصی را اتخاذ نکرده بودند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در حوزه مورد بررسی نیز مانند تمامی حوزه‌های تحقیقاتی علوم اجتماعی، روش پیمایشی و کمی تسلط داشته و استفاده از روش کیفی، کم‌ترین فراوانی را داشته است.

جدول شماره (۴): نوع روش به کار رفته در پژوهش‌های مورد مطالعه

نوع روش	فراوانی	درصد
پیمایش	۱۰	۵۰
اسنادی	۴	۲۰
تحلیل ثانویه	۳	۱۴
نظری	۲	۴
تحلیل کیفی	۱	۲
مجموع	۲۰	۱۰۰

۴-۲-۲. رویکرد روش شناختی

در بررسی رویکرد روش شناختی تحقیقات مورد مطالعه، مشخص شد که ۷۵ درصد پژوهش‌ها، رویکرد تبیینی و ۲۱ درصد رویکرد توصیفی داشتند. برخی از پژوهش‌ها نیز نظری بوده و رویکرد روشی خاصی نداشته‌اند.

جدول شماره (۵): رویکرد روش شناختی تحقیقات مورد مطالعه

رویکرد روش	فراوانی	درصد
تبیینی	۱۳	۶۵
توصیفی	۵	۲۵
غیره	۲	۴
مجموع	۲۰	۱۰۰

۴-۳-۳. جوامع آماری مورد بررسی

مقیاس جامعه‌های آماری مورد بررسی در تحقیقات مرور شده را می‌توان در قالب چهار دسته طبقه بندی نمود: ۱. بین‌المللی، ۲. کشوری و ملی، ۳. شهری، ۴. اجتماع کوچک. بر اساس محاسبات انجام شده، ۴۵ درصد پژوهش‌های انجام شده در مقیاس اجتماع کوچک، ۲۰ درصد در مقیاس کشوری، ۱۰ درصد در مقیاس جامعه شهری و ۵ درصد در بُعد فراملی و با مقایسه آمارهای کشورهای مختلف صورت گرفته است. ۴ مورد از پژوهش‌های بررسی شده نظری و فاقد جامعه آماری بوده‌اند.

جدول شماره (۶): مقیاس جوامع آماری مورد بررسی

مقیاس بررسی	فراوانی	درصد
اجتماع کوچک	۹	۴۵
کشوری- ملی	۴	۲۰
جامعه شهری	۲	۱۰
فراملی	۱	۵
نامشخص (نظری)	۴	۲۰
مجموع	۲۰	۱۰۰

۴-۴-۴. انواع متغیرهای مورد بررسی (وابسته / مستقل)

طبقه‌بندی و محاسبه نسبت متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات مرور شده، در دو دسته کلی متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل در جدول زیر ارائه شده است. بر این اساس، «طلاق» بیش‌ترین متغیر وابسته مورد بررسی و «سن ازدواج و اختلاف سن زوجین»، رایج‌ترین متغیر مستقل مورد بررسی بوده است. پس از آن، متغیرهایی هم‌چون «عوامل اقتصادی»، «وضعیت تحصیلات» و «تعداد فرزندان»، متغیرهای مستقل دیگری بودند که به‌عنوان عوامل مؤثر بر نابرابری، مورد بررسی قرار گرفتند. در برخی از تحقیقات، از نابرابری به‌عنوان متغیر مستقل یاد شده است، به این معنا که فرضیه اصلی تحقیق، بررسی ابعاد و میزان نابرابری جنسیتی بر پدیده‌های دیگری چون تحرک اجتماعی، اوقات فراغت یا رشد اقتصادی بوده است. در این موارد، وجود نابرابری بین دو جنس، مفروض گرفته شده و محقق تنها درصد تعیین سهم یا میزان تأثیر این متغیر بر پدیده‌های فوق‌الذکر بوده است. در مقابل، در دیگر پژوهش‌ها، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر وجود یا میزان نابرابری جنسیتی مورد نظر بوده است. در این تحقیقات، محقق در پی شناسایی تأثیر عواملی چون جامعه‌پذیری، کلیشه‌های جنسیتی، تحصیلات و... بر وجود و میزان شدت نابرابری جنسیتی بوده است.

جدول شماره (۷): انواع متغیرهای بررسی شده در پژوهش‌ها

انواع متغیرها	فراوانی	درصد
وابسته	۴	۶/۱۷
	۴	۶/۷۷
	۱	۱/۶۹

۱/۶۹	۱	گذران اوقات فراغت		
۱/۶۹	۱	توان‌مندی زنان		
۱/۶۹	۱	تصدی پست مدیریتی		
۱۶/۹۴	۱۰	کلیشه جنسیتی		
۱۱/۸۶	۷	نابرابری جنسیتی	مستقل	
۱۰/۱۶	۶	جامعه‌پذیری جنسیتی		
۸/۴۷	۵	ایدئولوژی مردسالاری		
۸/۴۷	۵	درآمد و اشتغال زن		
۶/۷۷	۴	انتظارات نقش		
۶/۷۷	۴	تحصیلات		
۳/۳۸	۲	نابرابری اقتصادی		
۱/۶۹	۱	نابرابری حقوقی		
۱/۶۹	۱	اشاعه فن‌آوری		
۱/۶۹	۱	تأهل		
۱/۶۹	۱	باروری		
۱۰۰	۵۹	مجموع		

۴-۴-۵. پارادایم‌شناسی و نظریات حاکم بر تحلیل‌ها

پارادایم‌های تبیینی و نظریات حاکم بر تحقیقات مرور شده، به دو سطح خرد و کلان تقسیم شده است. نظریات حوزه روان‌شناسی اجتماعی و نظریات فرهنگی را ذیل پارادایم خرد و نظریات مربوط به ساختار اجتماعی و تحلیل‌های اقتصادی را ذیل کلان طبقه‌بندی کردیم. براین اساس، در سطح خرد، «نظریه روان‌شناسی اجتماعی بم» و «نظریه جامعه‌پذیری گیدنز» و در سطح کلان، «نظریه نئوکلاسیک بازار کار» و «نظریه نابرابری جنسیتی چافتز»، بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. شایان ذکر است که برخی از پژوهش‌ها که به صورت نظری انجام شده، فاقد چارچوب تئوریک خاص و صرفاً مروری بر همه نظریات مطرح در آن حوزه بوده‌اند. هم‌چنین مقالاتی که به مقایسه تطبیقی آمارها پرداخته‌اند، از تئوری خاصی استفاده نکرده‌اند.

جدول شماره (۸): انواع نظریات به کار رفته در پژوهش‌ها

درصد	فراوانی	نظریات	
۱۲/۵	۲	روان‌شناسی اجتماعی بم	خرد
۶/۲۵	۱	جامعه‌پذیری گیدنز	
۶/۲۵	۱	جامعه‌پذیری جنسیتی	
۶/۲۵	۱	اوقات فراغت (مک دونالد)	
۲۵	۴	نظریه نابرابری جنسیتی چافتز	کلان
۲۵	۴	نابرابری جنسیتی نئوکلاسیک	
۱۲/۵	۲	نظریه منابع کالینز	
۱۰۰	۱۶	مجموع	

۴-۴-۶. عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی

در بررسی یافته‌های تحقیقات مورد مطالعه، عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی در قالب سه دسته اجتماعی، اقتصادی و زمینه‌ای طبقه‌بندی شدند. بر این اساس، «کلیشه‌های جنسیتی»، «جامعه‌پذیری جنسیتی» و «نظام مردسالاری»، بیش‌ترین عوامل اجتماعی، «اشتغال زنان» و «میزان درآمد زنان» از مهم‌ترین عوامل اقتصادی و «تحصیلات»، «قومیت»، «تأهل» و «باروری» از عوامل زمینه‌ای اصلی می‌باشند. بر این اساس، متغیرهای کلیشه‌های جنسیتی، نظام مردسالار و جامعه‌پذیری جنسیتی، اثر مثبت بر وقوع و میزان نابرابری دارد. هم‌چنین، اشتغال زن، درآمد مستقل زن و درآمد بالای همسر و والدین، اثری منفی بر میزان نابرابری جنسیتی دارد. اشتغال زن و درآمد مستقل زن از آن جهت که قدرت چانه‌زنی زنان را در خانواده افزایش می‌دهد، بر قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها و در نهایت، میزان نابرابری اثر منفی به‌جای می‌گذارد. در خصوص متغیرهای زمینه‌ای نیز باید گفت که تحصیلات بالا و سن بالاتر، بر نابرابری جنسیتی، اثر منفی و میزان باروری، سن پایین ازدواج و قومیت، بر آن، اثر مثبت می‌گذارد.

جدول شماره (۱۰): عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی

درصد	فراوانی	عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی	
۱۷/۰۷	۷	کلیشه‌های جنسیتی و عقاید قالبی	اجتماعی
۱۷/۰۷	۷	جامعه‌پذیری جنسیتی	
۱۷/۰۷	۷	نظام مردسالاری	

۱۴/۶۳	۶	اشتغال زنان	اقتصادی
۷/۳۱	۳	درآمد زنان	
۲/۴۳	۱	درآمد همسر	
۲/۴۳	۱	درآمد والدین	
۷/۳۱	۳	قومیت	زمینه‌ای
۷/۳۱	۳	تحصیلات	
۴/۸۷	۲	سن پایین ازدواج	
۲/۴۳	۱	باروری	
۱۰۰	۴۱	مجموع	

۴-۷. رویکرد کلی به نابرابری

در تمامی پژوهش‌های انجام شده، تلقی کلی از مسأله عدالت و برابری، تساوی کامل بین زن و مرد است. به عبارت دیگر، در تمامی پژوهش‌های بررسی شده، عدم برابری بین زن و مرد در اشتغال، قدرت تصمیم‌گیری، تحصیلات و درآمد به‌عنوان مواردی از نابرابری جنسیتی یاد شده است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که مطالعات صورت گرفته در پارادایم کلی رویکرد فمینیستی قرار می‌گیرد؛ چه این که مفروضه اساسی این پارادایم، حداقل در رویکرد کلاسیک آن، تساوی بین زن و مرد در استعدادها و نظام حقوقی است و هر جا این اصل مخدوش گردد، نابرابری رخ داده است. گرچه پارادایم فمینیستی عموماً تفاوت بیولوژیک و زیستی بین زن و مرد را انکارناپذیر می‌داند، اما معتقد است این تفاوت نمی‌تواند و نباید منشأ تفاوت در حقوق و تکالیف گردد؛ لذا عدالت به برابری تعبیر می‌گردد و هر نابرابری نامطلوب قلمداد می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسأله برابری، نابرابری و عدالت جنسیتی از مباحث بسیار مناقشه برانگیز محافل علمی در سال‌های اخیر بوده است. بخشی از این مناقشه به تفاوت آراء در رویکرد دینی نسبت به عدالت و تلقی فمینیستی از این مفهوم بازمی‌گردد. هم چنان که اشاره شد، غالب متفکرین اسلامی زن و مرد را از حیث انسانیت برابر دانسته اما تفاوت طبیعی در جنسیت را منشأ تفاوت در حقوق و وظایف می‌دانند. بر این مبنای معتقدند از نگاه اسلام، عدالت در تناسب با فرد و وظایفش تعریف می‌گردد و تساوی و برابری تصویری سطحی از این مفهوم است. هم‌چنین، داعیه‌داران این نگاه، راه حل نیل به عدالت را نه یک‌سان‌سازی

زن و مرد، بلکه توجه به مقدرات و محظورات دو جنس در انجام وظایف و تکالیف می‌دانند. در مقابل، اساس غالب رویکردهای فمینیستی، تلقی تساوی طلبانه از عدالت و برابری است و به‌گونه‌ای پارادوکسیکال معتقدند گرچه زن و مرد در طبیعت خود با یکدیگر متفاوتند، اما این تفاوت نمی‌بایست به تفاوت در حقوق و امکانات منجر گردد. نقطه دیگر این طیف، نگاه فمینیست‌های تفاوت‌طلب است که معتقدند زن و مرد در طبیعت و حقوق با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت به برتری جنس زن میل می‌کند.

با توجه به چنین مناقشه‌ای، در نوشتار حاضر پژوهش‌های انجام شده در حوزه نابرابری جنسیتی بازخوانی گردید. نتایج مرور سیستماتیک فوق نشان داد که:

۱- نابرابری جنسیتی با سهم محققان زن در مقایسه با محققین مرد در این زمینه هماهنگی دارد و لذا، می‌توان به طرح این فرضیه مبادرت ورزید که بررسی نابرابری جنسیتی ذهن زنان محقق را بیش‌تر از مردان به‌خود مشغول داشته است.

۲- در بخش رویکردهای نظری، ویژگی مشترک غالب پژوهش‌های بررسی شده را می‌توان در دو نکته دانست: استفاده از رویکردهای کلان در تحلیل نابرابری و بهره‌گیری از تئوری‌های فمینیستی و غیر بومی به‌جای دیدگاه‌های بومی. بر این اساس، بیش‌تر پژوهش‌ها، وجود نابرابری جنسیتی را پدیده‌ای ساختاری می‌دانند. هم‌چنین، عدم استفاده از رویکردهای بومی را می‌توان به دو دلیل ذیل ارجاع داد:

- گرچه مسأله تفاوت بین زن و مرد در آراء فقهی، کلامی و اخلاقی اندیشوران اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد، اما نوع ورود اینان، بیش‌تر انتزاعی و نظری است تا عملی و انضمامی. به عبارت دیگر، در اکثر نظریات مطرح شده، موضوع به بحث در باب تفاوت جوهری بین زن و مرد و پاره‌ای تذکرات اخلاقی خلاصه شده است؛ اما درباره این که تساوی در ذات و تفاوت در حقوق چه ابعادی دارد و متکی بر چه مبادی و مبانی‌ای بوده و چه تبعاتی را در حوزه‌های مختلف به همراه خواهد داشت، به صورت نظام‌مند و روش‌مند مباحثی ارائه نشده است، به طوری که به این موضوع که نابرابری چگونه به متغیرهای قابل سنجش تبدیل می‌شود و چگونه می‌توان بین تفاوت در حقوق و نابرابری‌ای که در عمل در جوامع رخ می‌دهد تمیز قائل شد، به‌طور صریح پرداخته نشده است. از مهم‌ترین دلایل این مسأله، عدم استفاده دانشمندان حوزه علوم اجتماعی از رویکردهای نظری و فلسفی موجود در این حوزه است. انتظار می‌رود پژوهشگران و محققین با ملاحظه چنین ادبیات غنی نظری در حوزه برابری زن و مرد، با

شکستن هژمونی نظری غربی در این حوزه به شاخص‌سازی و تعاریف عملیاتی از این مفاهیم انتزاعی روی آورند؛ چه این که دانش بومی ما در نهاد خود چنین ظرفیتی را داراست.

- مهم‌تر از عامل پیشین، اساساً پرابلماتیک نشان‌دادن حوزه زنان به آن صورتی است که امروزه در دستور کار عالمان اجتماعی قرار گرفته است. به صورت جزئی‌تر، طرح مسأله پژوهش در حوزه زنان و خانواده، وارداتی بوده و عموماً متأثر از ادبیات فمینیستی است؛ تا جایی که به نظر می‌رسد پژوهش در این حوزه به آزمون فرضیات چنین نظریاتی خلاصه شده و محققین، امکان طرح مسأله جدید و مفاهیم بدیع و متناسب با زیست-جهان خود را از دست داده‌اند. از دلایل اصلی این وضعیت، آن است که اساساً ما تحت سیطرهٔ گفتمان سکولار تجدیدی که توسط سازو کارهای رسانه‌ای و اقتصادی بازتولید می‌شود، زیست می‌کنیم. به علاوه، این که نظریات فمینیستی، ضمن طرح مسائل نظری، هم‌زمان به عملیاتی‌کردن و عینی‌کردن آن‌ها نیز مبادرت ورزیده‌اند و بر این مبنا توانسته‌اند ابزارهای تحلیلی کارآمدی را ایجاد کنند.

۳- همان طور که در یافته‌ها ملاحظه شد، همه پژوهش‌های صورت گرفته با تلقی تساوی‌طلبانه از عدالت به آزمون فرضیات خود دست زده‌اند. حال آن که، در رویکرد اسلامی عدالت در پرتو تفاوت حقوق، وظایف و تکالیف محقق می‌گردد. مهم‌ترین وجه ممیزهٔ رویکرد دینی از رویکرد فمینیستی در موضوع تفاوت زن و مرد به هدف‌مندی و غایت‌مندی خلقت بر اساس حکمت الهی بازمی‌گردد. نتیجه این ویژگی آن است که طبیعت می‌تواند الهام‌بخش باشد و وجود ویژگی‌های طبیعی در زن و مرد حکیمانه تفسیر شود و با هدف خاص و برای تسهیل در دستیابی به آفرینش در زن و مرد نهادینه گردد تا هر یک متناسب با کارکردهای ویژه به استعدادها و ویژگی‌های متفاوتهای بین زن و مرد، معنادار و هدف‌مند است، پس را به دنبال خواهد داشت: از آن جا که ویژگی‌های متفاوت بین زن و مرد، معنادار و هدف‌مند است، پس تلاش برای از بین بردن آن نامطلوب تلقی می‌شود. هم چنین، در دیدگاه اسلامی، نظام ارزش‌گذاری، ایفای نقش و نظام حقوقی متناسب با طبیعت و درخور استعدادهای خاص هر دو جنس است. از این رو، اصرار بر برابری به معنی تعارض میان طبیعت دو جنس است که به تعارض در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی منجر می‌شود. افزون بر این، با استفاده از دیدگاه‌های اندیشوران اسلامی می‌توان به این نکته اشاره نمود که تفاوت‌های طبیعی، هم تفاوت در کارکرد را بیان می‌دارد و هم ضرورت تفاوت در نقش‌ها و تمایز در حقوق را تبیین می‌کند.

۴- افزون بر این، اهم عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، جامعه‌پذیری جنسیتی، مردسالاری و کلیشه‌های جنسیتی بوده است که خود، جای مناقشه دارد. هر چند بستر فرهنگی و وجود عقاید و آداب

و رسوم، بخشی از تلقی نادرست نسبت به زن را در جوامعی مثل جامعه ایران تشکیل می‌دهد - که باید آن را از منظری بومی مسأله‌شناسی، بررسی و درمان نمود- اما باید توجه داشت که جامعه‌پذیری یکسان بین دو جنس، جدای از این که با رویکرد اسلامی به تربیت در تنافی است، خود آفت‌های بسیاری را به همراه دارد که می‌توان به تشدد در هویت جنسیتی، تعارض در نقش‌ها و کم‌رنگ شدن ساختار خانواده اشاره کرد. مشکلاتی که هم‌اکنون نیز جامعه غربی با آن دست به‌گریبان است.

۵- در بخش دیگر که به عوامل اقتصادی مؤثر بر نابرابری اشاره شده است، اشتغال و درآمد زنان، عامل مهمی در از بین بردن این نابرابری‌ها معرفی شده و شرایط نامساوی کار در بین زنان و مردان شاغل، از مؤلفه‌های نابرابری قلمداد شده است. این تلقی نیز در بطن خود حاوی همان نگاه تساوی‌طلبانه فمینیستی است که پیش‌تر بدان اشاره شد.

۶- بنابراین، در یک نگاه کلی و از منظری انتقادی، به‌نظر می‌رسد راه از بین بردن تبعیض‌های احتمالی بین زن و مرد در جامعه ایرانی، نه استفاده از شاخص‌های مبتنی بر تساوی دو جنس، بلکه بهره‌گیری از شاخص‌هایی است که ضمن شناخت درست پدیده، بتواند ما را در مسیر رسیدن به خانواده اسلامی یاری رساند و با استفاده از نگاه تناسبی نسبت به مقوله عدالت، شاخص‌هایی را تدوین نمود که عدالت را متناسب با مقدرات و محظورات هر دو جنس بسنجد. بر این اساس، اگرچه زن و مرد از حیث کرامت انسانی با هم برابرند و حقوق و تکالیف آن‌ها تا آن‌جا که به جوهر انسانی مربوط است -مشترک و مساوی است، اما تفاوت‌های تکوینی بین دو جنس، تفاوت در حقوق و تکالیف متناسب با هر جنس را به همراه دارد. به عبارت دیگر، تشابه در حقوق و عدالت بین دو جنس به معنی تساوی و برابری نیست، بلکه با توجه به استعدادها و طبیعت هر جنس متناسب با آن، به زن و مرد تفویض شده است. لذا، استفاده از شاخص‌هایی غیرمنطبق با فضای بومی، نه تنها تصویری دگرگون از واقعیت را ترسیم می‌کند، بلکه باعث می‌شود مسیر را به خطا رفته، به تولید واقعیاتی مبادرت ورزیم که با مسیر تاریخی و تمدنی جامعه ایرانی تعارض دارد.

منابع

- [۱]. ادهمی، عبدالرضا؛ روغنیان، زهره (زمستان ۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۳.
- [۲]. احمدی، حبیب؛ گروسی، سعیده (۱۳۸۳ زمستان). «بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی»، مطالعات زنان، سال ۲، شماره ۶، صص ۵-۳۰.

- [۳]. افشاری، زهرا؛ شببانی، ایمان (۱۳۸۸ پاییز). «بررسی اثر فناوری اطلاعات بر نابرابری جنسیتی (مطالعه مقطعی بین کشوری)»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صص ۱-۲۳.
- [۴]. امانی، امرالله (۱۳۸۶). «توصیف و تبیین تبعیض جنسیتی» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [۵]. ایزدخواستی، بهجت؛ میرزایی حسینعلی؛ فتحی، لاله (تابستان ۱۳۸۸). «مطالعه نگرش شاغلان سازمان‌های دولتی استان آذربایجان شرقی نسبت به تصدی پست‌های مدیریتی توسط زنان»، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۰.
- [۶]. بامداد پرتوی؛ صفی‌ار امینی و امیر گودرزی (۱۳۸۸ پاییز). «بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال ۳، شماره ۳، صص ۵۱-۷۶.
- [۷]. پزشکی، محمد (۱۳۸۷). صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۸]. رحیمی، انور (۱۳۸۵). «بررسی تأثیرات فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در امر اشتغال»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [۹]. رودگر، نرجس (۱۳۸۶). فمینیسم، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۱۰]. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). هویت و نقش‌های جنسیتی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۱۱]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آینه جمال و جلال الهی، تهران مرکز نشر فرهنگی رجا.
- [۱۲]. جواهری، فاطمه؛ قضاتی، سرور (۱۳۸۲). «موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۷۸.
- [۱۳]. خانی، فضیله (پاییز ۱۳۸۹). «چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری‌های جنسیتی در جهان»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۳، صص ۷-۳۰.
- [۱۴]. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان.
- [۱۵]. شادلو، شیده (۱۳۸۰). «نقش فرهنگ در متعادل ساختن نگرش‌های جنسیتی در حیات اجتماعی برای توانمندساختن زنان»، مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان. تهران: مرکز مشارکت زنان، صص ۸۵-۱۱۵.
- [۱۶]. شگوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶ بهار و تابستان). «مؤلفه‌های توان‌مندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها» پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- [۱۷]. فریدمن، جین (۱۳۸۱). فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، نشر آشتیان.
- [۱۸]. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۳۸۳). دنیای زن، نشر سهروردی.
- [۱۹]. مشیرزاده، حمیرا (بی‌تا) از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول.
- [۲۰]. مجتهدشبهستری، محمد (۱۳۷۸). «زنان، کتاب و سنت»، زن، ش ۵۷.
- [۲۱]. محمودیان، حسین (تابستان ۱۳۸۴). «ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران» پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- [۲۲]. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و چهارم، قم، انتشارات صدرا.
- [۲۳]. معیدفر، سعید (بهار ۱۳۸۴). دهنوی، جلیل، «بررسی احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجوی»، مطالعات زنان، سال ۳، شماره ۷، صص ۵۱-۷۵.
- [۲۴]. مهری، نادر (۱۳۹۰). «باروری و نابرابری جنسیتی در گذران وقت در خانواده در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- [۲۵]. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). شخصیت و حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲۶]. نبوی، عبدالحسین؛ احمدی، لیلا (تابستان ۱۳۸۶) «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ۵۹-۸۲.
- [۲۷]. نوروزی، لادن (بهار ۱۳۸۳). «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، ۱۶۵-۱۷۸.
- [۲۸]. نجاتی، فاطمه (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان سهم‌بری زنان از منابع مالی خانواده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.